

پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران
دوره ۴، شماره ۱
بهار و تابستان ۱۳۹۳، صص ۱۲۹-۱۰۹

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی و دارویی مرتع دیلگان، استان کهگیلویه و بویراحمد

محمد رحیم فروزه*
غلامعلی حشمتی**
حسین بارانی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۲/۲۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۸/۲۴

چکیده

گیاه مردم‌نگاری مطالعه مواجهه انسان و گیاه و یک طبقه‌بندی درون رشته‌ای در مردم‌نگاری است که از ویژگی‌های یک پژوهش آغازگر و بسترساز برخوردار است. این مطالعه با توجه به غنای گونه‌های گیاهی و دانش بومی گیاهان مرتع دیلگان در استان کهگیلویه و بویراحمد را در فصل‌های رویش (بهار و تابستان) سال ۱۳۹۲ مورد بررسی قرار داده است. دامنه‌ای از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات از شیوه‌های ساختارمند کمی همچون پرسش‌نامه‌های طراحی شده تا روش‌های کاملاً بدون ساختار کیفی همچون دیدار و گفتگوی آزاد استفاده شده است. پرسش‌ها با محوریت گیاهان خوراکی و دارویی به صورت مصاحبه در محل زندگی عشایر و مشاهده مشارکتی در رویشگاه گیاهان صورت پذیرفته است. در این تحقیق حدود ۶۰ گونه گیاهی شناسایی شد که دانش بومی مرتبط با ۲۰ گونه از آنها در این مقاله تحلیل می‌شود. دلیل انتخاب گونه‌های مذکور اتفاق نظر خبرگان محلی پیرامون نام، خواص، فنولوژی، فراوانی کاربرد و مصرف آنها در میان عشایر بوده است. گیاهان بررسی شده به ۹ خانواده گیاهی تعلق داشتند که در این بین خانواده‌های چتریان و نعنائیان بیشترین سهم را دارا بودند. مصاحبه‌شوندگان از بین مصرف دارویی گیاهان بیشترین مورد را به بیماری‌های گوارشی، قند، چربی خون و درمان عفونت نسبت می‌دادند. نتایج بررسی گویای آن است که دانش بومی عشایر منطقه مورد مطالعه پیرامون برخی گیاهان اطرافشان بسیار غنی است که تنها شامل خواص خوراکی و دارویی گیاهان نیست بلکه دربرگیرنده اطلاعاتی بسیار مفید از زیستگاه گیاهان به لحاظ ادافیکی، توپوگرافی و اقلیمی است.

کلید واژگان: دانش بومی، کهگیلویه و بویراحمد، گیاه مردم‌نگاری، گیاهان خوراکی، گیاهان دارویی، مرتع دیلگان.

*دانشجوی دکتری علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
rfroozeh@gmail.com

**استاد گروه علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

***دانشیار گروه علوم مرتع، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

مقدمه

گیاه‌شناسی مردمی سرشاخه اهمیت‌یابنده از مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی به عنوان یک طبقه‌بندی درون رشته‌ای در مردم‌نگاری است (فرهادی، ۱۳۸۴: ۴۱). این شیوه از مطالعه در زبان انگلیسی با واژه اتنوبوتانی^۱ شناخته می‌شود که در فارسی ترجمه‌های متنوعی از آن ارائه شده است: مردم‌شناسی گیاه‌شناختی، انسان‌شناسی گیاه‌شناختی، مردم‌شناسی گیاهی (گیاه مردم‌شناسی) (فکوهی، ۱۳۷۹: ۳۸)، قوم گیاه‌شناسی (حاجی علی محمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۶) و گیاه مردم‌نگاری (فرهادی، ۱۳۸۴: ۴۱). در اغلب پژوهش‌های فارسی از واژه انگلیسی اتنوبوتانی استفاده شده است.

اتنوبوتانی که از دو واژه اتنو^۲ به معنای قوم و بوتانی^۳ به معنای گیاه‌شناسی ساخته شده است شیوه‌ای از پایش علمی اطلاعات موجود در اذهان عمومی است. موضوع این علم چگونگی استفاده از گیاهان در زندگی یک قوم است. گیاه قوم‌شناسی علمی فراگیر است زیرا هیچ گروهی از مردم را نمی‌توان یافت که زندگیشان به گیاهان وابسته نباشد (حاجی علی محمدی و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۷۷). بخش بسیار مهمی از منابع اطلاعاتی این دانش مربوط به داده‌هایی از زندگی یک قوم در ارتباط با نگرش و شیوه استفاده آنها از گیاهان است که به صورت معمول در ذهن و زبان مردم ساختاری روایی و بکر دارند، می‌توان گفت که این علم شاخه‌ای از دانش بومی است که به شناخت چند جانبه نقش گیاهان یک منطقه در دانش زیست‌محیطی اقوام محلی می‌پردازد. به عبارتی گیاه مردم‌نگاری یک روش مطالعه منظم و قاعده‌مند مواجهه انسان و گیاه است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۲).

دانش بومی گیاه‌شناسی قدمتی برابر با تاریخ بشر دارد اما واژه اتنوبوتانی را اولین بار هارش برگر^۴، گیاه‌شناس آمریکایی در اواخر قرن ۱۹ میلادی به کار برد که به مطالعه گیاهان مورد استفاده مردمان بومی می‌پرداخت (قریشی و غفران^۵، ۲۰۰۷: ۲۲۹۳). این گرایش از آن زمان به بعد به عنوان بخشی از دانش سنتی تعریف شده است و به بررسی چگونگی استفاده جوامع مختلف انسانی از گیاهان می‌پردازد. تمامی جوامع به شیوه‌های گوناگون با گیاهان اطراف خود در ارتباط هستند، اما جوامع محلی تمایل زیادی برای استفاده از گیاهان دارند زیرا این امر مسئله‌ای است که گاه تضمین‌کننده بقای آنها است (بارانی و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۴). استفاده از گیاهان در طول سالیان متمادی سبب شکل‌گیری اعتقادات خاصی شده است و این جوامع با تمام وجود نسبت به گیاهان احساس تعلق و وابستگی دارند (غفاری، ۱۳۵۷: پیشگفتار).

بهره‌برداران، بومیان و مردمان محلی اجزاء جدایی‌ناپذیر هر زیست‌بومی هستند. دانش این افراد درباره جنبه‌های مختلف محیط زندگی خود انکارناپذیر است. گیاه مردم‌نگار

¹ ethnobotany

² ethno

³ botany

⁴ Harshburger

⁵ Qureshi and Ghufan

بر آن است که دانش گیاه‌شناسی شفاهی جوامع بومی را که از طریق آزمون و خطا شکل گرفته و در خاطره جمعی آنها ثبت شده است؛ به صورتی نظام‌مند مکتوب کند. از نکات قابل‌توجه آن است که مطالعات گیاه مردم‌نگاری از شرایط و ویژگی‌های یک پژوهش بسترساز برخوردار است (امیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۹) به عنوان مثال محققان در عرصه گیاهان دارویی برای شناسایی اثرات گیاهان مختلف که سال‌ها در طب سنتی مورد توجه بوده‌اند و همچنین ساخت داروهای جدید می‌توانند از این پژوهش‌ها به عنوان بستر اولیه تحقیق استفاده کنند (وجدانی، ۱۳۸۱: ۱۱). کارشناسان امور تغذیه پیرامون گیاهان خوراکی و متولیان اصلاح و احیای مراتع در شناسایی گونه‌های مطلوب با ارزش‌های چند منظوره نیز می‌توانند از این مطالعات به عنوان قدم‌های اولیه تحقیق بهره گیرند. اطلاعات مستندسازی‌شده این دانش در جهت توصیف مناطق گردشگری برای مسافران قابل استفاده است که با کمتر کردن اثرات منفی بازدیدکنندگان به مناطق بومی همراه می‌شود (مارتین^۱، ۱۹۹۵: ۷۲). زبان‌شناسان نیز امکان دست‌یابی به معنای کهن‌تر و وجه تسمیه فراموش‌شده گیاهان را از مطالعات گیاه مردم‌نگاری می‌یابند (فرهادی، ۱۳۸۴: ۵۵). علی‌رغم اثرات سودمند این‌گونه مطالعات و آگاهی مجامع علمی از ارزش حفظ دانش بومی و به ویژه دانش بومی مرتبط با گیاهان، این تحقیقات به ندرت در زمره طرح‌های پژوهشی ثبت می‌شود و باید اعتراف کرد وزارت‌خانه‌ها، سازمان‌ها و مراکز مرتبط با فرهنگ عامه و به تبع مردم‌نگاران و انسان‌شناسان ایرانی در این زمینه‌ها که می‌توانست اهمیت فرهنگ سنتی ما و انسان‌شناسی را آشکار سازد هنوز فعالیت منسجمی نداشته‌اند (فرهادی، ۱۳۸۹: ۵). شاید این تحقیقات بسیار ضروری‌تر از تحقیقات آزمایشگاهی و یا عرصه‌ای باشند چرا که زمان برای انجام آزمایش‌ها علمی همیشه هست اما همیشه فرصت ثبت دانش مختص پیران دوره‌ای خاص در جامعه‌ای خاص وجود ندارد. با توجه به مباحث مذکور، در این مطالعه به بررسی دانش بومی گیاهان مراتع دیلگان در استان کهگیلویه و بویراحمد پرداخته شده است و محققین به دنبال پاسخ برای دو پرسش اصلی هستند:

(۱) چه دانشی درباره گیاه‌شناسی گونه‌های مرتعی نزد عشایر مرتع دیلگان یافت می‌شود؟

(۲) چه دانشی در مورد خواص و شیوه مصرف گونه‌های مذکور نزد مردم منطقه وجود دارد؟

معرفی منطقه

مرتع دیلگان در حدود ۸۰ کیلومتری شمال شرقی شهر یاسوج در استان کهگیلویه و بویراحمد واقع شده است. این منطقه با مساحتی معادل ۹۰۸۶۴ هکتار در محدوده طول جغرافیایی '۸ ۵۱° تا '۱۳ ۵۱° و عرض جغرافیایی '۴۷ ۳۰° تا '۹ ۳۳° قرار داد. میانگین

^۱ Martin

بارندگی سالانه در منطقه مذکور ۱۰۸۱ میلی‌متر، گرم‌ترین ماه سال، مردادماه با دمای متوسط ۲۰/۹ درجه سانتی‌گراد و سردترین ماه سال، بهمن‌ماه با دمای متوسط ۰/۷- درجه سانتی‌گراد است. اقلیم منطقه بر اساس روش دومارتن، مرطوب سرد است. تیپ اراضی عمدتاً به‌صورت کوه‌های نیمه‌مرتفع تا مرتفع با قلل تیز و بریده‌بریده و در بعضی نقاط به صورت صخره‌ای است و از نظر اکولوژیک، مرتعی بیلاقی به شمار می‌رود (مقدم، ۱۳۷۷: ۱۲). منابع آبی حوزه شامل رودخانه‌های دائمی و فصلی و چشمه‌های متعدد است. سیمای گیاهی عرصه به صورت علفی، بوته‌ای، درختی و درختچه‌ای است که با فراوانی نسبتاً متفاوت در آن پراکنده هستند.

منطقه مورد مطالعه سکونت‌گاه بیلاقی سه طایفه از عشایر ایل بویراحمد به نام‌های باباکانی، شیخ و اولاد میرزاعلی است که به صورت مشاعی از سه سامان عرفی خود در مرتع مذکور بهره‌برداری می‌کنند. محل سکونت موقت این عشایر سیاه‌چادرهایی موسوم به بُهون و کپره‌های هستند که عمدتاً با سنگ و سیمان و شاخ و برگ درختان بلوط درست شده است. عمده درآمد اقتصادی خانوارهای جامعه مورد مطالعه از دامداری حاصل می‌شود و مهم‌ترین ویژگی این شیوه معیشت اتکا به مراتع طبیعی در چارچوب دامداری سنتی است. بر اساس بررسی‌های صورت‌گرفته عمده دام‌های منطقه در مالکیت خصوصی بهره‌برداران قرار دارد. تعداد کسانی که دام اشتراکی دارند یازده خانوار است که پدر و پسر به‌صورت اشتراکی دام نگهداری می‌کنند. اغلب خانوارهای یک طایفه برای چرای دام‌های خود از چوپانان مشترک استفاده می‌کنند. گوسفندان موقع شیردهی به محل وُرد^۱ آورده و مجدداً تا غروب به مراتع بازگردانده می‌شوند. با آنکه پیشه اصلی عشایر منطقه دامداری سنتی است اما زراعت و باغداری نیز برای آن دسته از خانوارهایی که محل وُرد آنها به چشمه و یا رودخانه جاری در این ناحیه نزدیک است، سهمی اندک در تأمین معیشت دارد. محصول عمده باغی گردو و محصولات زراعی، غلات و صیفی‌جات است. هر چند که اغلب خانوارها تمایل به انجام باغداری و زراعت در کنار پیشه دامداری دارند اما کمبود آب، عدم اجرای طرح‌های آبیاری توسط سازمان‌های متولی و همچنین عدم واگذاری اراضی از طرف دولت برای کشاورزی از مشکلات پرورش محصولات زراعی و باغی منطقه است.

جمع‌آوری گیاهان خوراکی و دارویی از دیگر فعالیت‌های عشایر این منطقه جهت مصرف سالیانه خانوار و فروش است. فروش این محصولات به دو صورت انجام می‌شود بخشی از گیاهان در همان محل سکونت به دلالتی فروخته می‌شود که از شهرهای اطراف جهت خرید گیاهان خوراکی و دارویی به منطقه می‌آیند. این دلالتان سال‌های متمادی در فصل رویش به مرتع دیلگان آمده‌اند و مورد اعتماد عشایر هستند به گونه‌ای که سالانه قیمت هر محصول توسط این افراد مشخص می‌شود. بخش دیگری از این گیاهان به

^۱ محل اسکان موقت هر خانوار عشایر است که شامل یک یا چند بُهون و محل‌هایی جهت نگهداری دام موسوم به قاش گله است. عشایر ترک زبان به آن یورت نیز می‌گویند.

شهرهای اطراف برده می‌شود و مستقیماً توسط خود عشایر در بازار شهرهای یاسوج، بهبهان، گچساران و شیراز به فروش می‌رسد.

کل جمعیت انسانی مستقر در منطقه مورد بررسی ۶۲۶ نفر و کل خانوارهای مستقر در آن ۱۳۷ خانوار است. ۶۳/۶۲ درصد از کل جامعه باسواد هستند. بیشترین باسوادی در گروه‌های سنی ۱۰ - ۷ سال و معادل ۹۰ درصد و کمترین میزان باسوادی در گروه سنی بالاتر از ۶۵ سال و معادل ۱۴/۸۹ درصد است. با استناد به گزارش اداره امور عشایر استان، تصمیم‌گیری‌های کلان در هر سه تیره باباکانی، شیخ و اولاد میرزا علی به عهده شورای مشورتی است که اعضای آن از بین خبرگان محلی انتخاب می‌شوند (اداره کل امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد، ۱۳۹۰: ۴۵ - ۵).

روش پژوهش

قسمت بسیار مهمی از یک مطالعه گیاه مردم‌نگاری مربوط به چگونگی دستیابی به اطلاعات از گروه‌های انسانی مورد مطالعه است. روش اصلی در پژوهش حاضر مبتنی بر جمع‌آوری داده‌ها به شیوه مستقیم و جمع‌آوری داده‌های خام بوده است. به این منظور در راستای یک منطق مرحله‌ای، پس از شناسایی خبرگان محلی و گفتگوهای مقدماتی، چارچوب اولیه پرسش‌ها طراحی و برای مصاحبه‌های بعدی (ساختارمند کمی، نیمه ساختاریافته و یا بدون ساختار کیفی) تصمیم‌گیری شد. در نهایت دامنه‌ای از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به شیوه ساختارمند کمی همچون پرسش‌نامه‌های طراحی‌شده تا روش‌های کیفی کاملاً بدون ساختار همچون دیدار و گفتگوی آزاد استفاده شد. در مصاحبه‌ها، پرسش‌ها با محوریت گیاهان خوراکی و دارویی طراحی شد و در هر حالت، نام محلی گیاهان، زمان، محل و شکل رویش، گیاهان همراه، زمان جمع‌آوری، اندام مورد استفاده، نحوه آماده‌سازی، مقدار مصرف، نحوه مصرف و خواص گیاهان مورد بررسی قرار گرفت. محققین بر آن بودند که این پرسش‌ها به هر دو صورت مصاحبه در محل زندگی عشایر و مشاهده مشارکتی در محل رویشگاه گیاهان صورت پذیرد؛ هرچند شیوه اصلی، مصاحبه همراه با مشاهده بود. این شیوه برای پژوهش اکتشافی در زمینه گیاه‌شناسی بسیار مناسب است، چرا که هم پرسیدن را برای مصاحبه‌کننده و هم یادآوری و تداعی را برای مصاحبه‌شونده (راوی) آسان می‌سازد و از برداشته‌های غلط مصاحبه‌گر (پرسنده) و راوی (اطلاع‌دهنده) پیش‌گیری و به تدریج مصاحبه‌گر را در شناخت خود از گیاهان دقیق‌تر می‌کند (فرهادی، ۱۳۸۴: ۵۹). این مصاحبه‌ها در هر موضوع تا جایی تکرار می‌شد که پاسخ‌های تکراری برای محقق اثبات می‌کرد و ادامه مصاحبه‌ها نکته جدیدی را به مطالب قبلی اضافه نمی‌کرد. از اطلاعات موجود در دانش بومی از یکسو از ساختاری روایی برخوردار است و از سوی دیگر، شرط لازم جهت جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل صحیح اطلاعات دریافتی از دانش بومی در مورد گیاهان تأکید بر زبان و واژگان محلی است و گاهی ترجمان

نادرست از این واژگان به استنباط و تحلیل نادرست محقق منجر خواهد شد، لذا در این پژوهش از همراهی افراد باسواد و مطلع به گویش و زبان محقق و ساکنان منطقه یاری گرفته شد. در نهایت از اطلاعات کسب‌شده از شیوه‌های متفاوت مصاحبه فیش‌برداری شد و استخراج مفاهیم کلیدی بر اساس هدف تحقیق صورت پذیرفت. در این بررسی همزمان با مصاحبه مشارکتی، نمونه‌های هرباریومی از گیاهان برداشت و بر اساس منابع معتبر گیاه‌شناسی شناسایی شد.

یافته‌های پژوهش

حدود ۶۰ گونه در طی تحقیقات صورت گرفته در مرتع دیلگان شناسایی شد. گونه‌های مذکور شامل ۳ گونه درختی و ۵۷ گونه علفی و بوته‌ای است که دانش بومی تنها ۲۰ گونه در این تحقیق آورده شده است که تمام گونه‌های درختی و ۱۷ گونه علفی و بوته را شامل می‌شود. دلیل انتخاب گونه‌های علفی و بوته‌ای از بین گونه‌های جمع‌آوری‌شده آن بود که (۱) بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده توسط محققین نشان داد که از بین گونه‌های مذکور تنها ۱۷ گونه هستند که اسامی محلی، خواص و برخی از خصوصیات فنولوژی^۱ آنها نظیر زمان رویش و برداشت، توسط خبرگان محلی در طی مصاحبه‌های انفرادی تأیید می‌شود. در مورد سایر گونه‌ها هرچند که گیاه به عنوان گیاهی خوراکی یا دارویی شناخته می‌شد اما یا در مورد نام، کاربرد، خواص و یا فنولوژی آنها اتفاق نظر وجود نداشت. (۲) استخراج نتایج گویای آن بود که گونه‌های مذکور گیاهانی بودند که به لحاظ مصرف خوراکی و کاربرد دارویی در زمره پرمصرف‌ترین گونه‌ها قرار دارند به گونه‌ای که تمامی گونه‌های درختی شناسایی‌شده به جز مصارف خوراکی یا دارویی دارای مصارف چند منظوره در ساخت ابزار، سرپناه و تأمین علوفه دام علی‌الخصوص بز هستند و تمام گیاهان علفی و بوته‌ای به جز تأمین نیازهای خوراکی و دارویی سالیانه خانوار در تأمین بخشی از معیشت ساکنین از طریق جمع‌آوری و فروش یا تأمین علوفه دام دخیل هستند و به همین علت اغلب عشایر منطقه در زندگی روزمره خود از آنها بیش از سایر گونه‌ها به شیوه‌های متفاوت استفاده نمایند و آنها را به خوبی شناسایی می‌کنند و به نیازهای متفاوت بوم‌شناختی و همچنین خواص خوراکی یا درمانی آنها اشراف دارند. نام محلی و سایر خصوصیات گیاه‌شناسی گیاهان مذکور در جدول شماره ۱ آورده شده و دانش بومی عشایر پیرامون برخی از خصوصیات بوم‌شناختی و نحوه کاربرد هر یک از آنها در ادامه آمده است.

^۱ فنولوژی (Phenology) شامل تاریخ و زمان وقایع مهم گیاه در طول دوره رشد همچون جوانه زدن، رشد رویشی، تشکیل میوه، انتشار بذر و زمان برداشت می‌شود (آذرنبوند و چاهوکی، ۱۳۸۹: ۱۳۷).

جدول ۱: گیاهان بررسی شده در مرتع دیلگان و مشخصات آنها

| کاربرد | نام محلی | نام فارسی | نام علمی | خانواده | فرم رویشی | بخش مورد استفاده | فصل جمع آوری | |
|-----------------|-------------|-----------------------|--------------------------|------------------|---------------|---------------------------------|----------------------------|------------|
| خوراکی | بیلهر | بیلهر-کندل کوهی | Dorema aucheri | Apiaceae | علفی چندساله | ساقه گل دهنده (نروک) | اوایل بهار | |
| | چویل | چویل | Ferulago angulata | Apiaceae | علفی چندساله | گل | اوایل تابستان | |
| خوراکی و دارویی | اوریشم کُرو | کاکوتی کوهی | Ziziphora clinopodioides | Lamiaceae | بوته چند ساله | برگ | اوایل بهار | |
| | بگلو | علف چشمه - بولاغ اوتی | Nastutium officinalis | Brassicaceae | علفی چندساله | برگ، ساقه | بهار | |
| | بن | بنه | Pistacia atlantica | Anacardiaceae | درخت | صمغ، میوه | میوه: بهار صمغ: تابستان | |
| | پیدن اوبی | پونه | Mentha longifolia | Lamiaceae | علفی چندساله | برگ | بهار و تابستان | |
| | توله | پنیرک | Sylvestris Malva | Malvaceae | علفی یک‌ساله | برگ | اوایل بهار | |
| | زول | زول | Eryngium campestre | Apiaceae | بوته چند ساله | ساقه، ساقه گل دهنده (نروک) | اوایل بهار | |
| | گلوس | کرفس بختیاری | Kelussia odoratissima | Apiaceae | علفی چندساله | برگ | اوایل بهار | |
| | لیزک | بن سرخ | Allium jesdanum | Lilaceae | علفی چندساله | برگ | اوایل بهار | |
| | اواندول | آب اندول - اواندول | Smyrnum cardifolium | Apiaceae | علفی چند ساله | برگ، ساقه، ساقه گل دهنده (نروک) | اوایل بهار | |
| | زروی | - | - | - | علفی چندساله | برگ | بهار | |
| | بلی | بلوط | Quercus brantii | Fagaceae | درخت | میوه | بهار و تابستان | |
| | دارویی | اولیله | گیاه سنبله ای مودار | Stachys pilifera | Lamiaceae | علفی چند ساله | برگ | اوایل بهار |

| | | | | | | |
|-------------------------------|-----------|------------------|----------------|---------------------------|----------------------|--------------|
| اواسط بهار | گل | علفی چند ساله | Asteraceae | Achillea wilhelmsii | بومادران | برنجاس |
| بهار | برگ | علفی چندساله | Lamiaceae | Stachys sp. | پونه کوهی | پیدن کُهی |
| اوایل بهار | پیاز | علفی چندساله | Liliaceae | Fritillaria imperialis | لاله واژگون | گل ینگین |
| بهار | برگ | علفی چندساله | Lamiaceae | Teucrium polium | کلپوره-مریم نخودی | هلپه |
| میوه: بهار صمغ: تابستان | صمغ، میوه | درخت | Rhamnace ae | Rhamnus persica | سیاه تنگرس | ارزن |
| بهار | برگ، ساقه | علفی چندساله | Apiaceae | Prangos ferulacea | جاشیر | جاشیر |

دانش بومی پیرامون برخی از خصوصیات بوم‌شناختی و نحوه کاربرد گیاهان

گیاهان خوراکی

بیلهر^۱

گیاهی علفی و چند ساله است که در آخرین روزهای زمستان و اوایل بهار اغلب در اراضی سنگلاخی می‌روید. برگ‌های آن به رنگ سبز نقره‌ای است و اوایل تا اواسط تیر ماه به گل و بذر می‌نشیند. البته به گفته عشایر به دلیل برداشت‌های بیش از حد کمتر می‌شود آن را در حالت گل یا بذر دادن مشاهده کرد. در اوایل تابستان کاملاً خشک می‌شود و ممکن است تنها ریشه آن پیدا باشد. ساقه و نوک این گیاه مصرف خوراکی دارد البته نوک آن هر چند سال یک‌بار رشد می‌کند و تازه آن دارای طعم تلخ است و باید پیش از خوردن به اصطلاح شیرین شود. آن را داخل فویل‌های آلومینیومی می‌پیچند و برای مدتی زیر خاکستر گرم می‌گذارند و یا آن را آب پز می‌کنند، آب آن را می‌گیرند و برای مدتی دوباره زیر آب سرد می‌گیرند تا طعم تلخ با به اصطلاح محلی زیت^۲ آن گرفته شود. گاهی نیز آن را بر روی آتش کباب می‌کنند. عشایر معتقدند که نوک بیلهر حتماً باید با ماست خورده شود تا طبع آن ملایم شود. به همین سبب اغلب همراه با ماست و دوغ مصرف می‌شود. البته گاه پخته آن را با نان محلی می‌خوردند.

^۱ bilehar

^۲ آب تلخ و تیره ای که معمولاً پس از پخته شدن گیاهانی خوراکی که طعم تند و تلخی دارند بیرون آمده و پس از گرفته شدن آن آب، طعم گیاه از حالت تلخی درآمده و قابل مصرف می‌شود.

چویل^۱

گیاهی علفی و چندساله است که ظاهری شبیه جاشیر دارد با این تفاوت که ساقه‌های آن چوبی‌تر از جاشیر است. این گیاه نماد سرسبزی و طراوت است و در اشعار و ادبیات تغزلی عشایر بیشتر از سایر گیاهان به آن اشاره می‌شود. رویشگاه آن در ارتفاعات است چنانکه عشایر می‌گویند در جایی که چویل می‌روید فقط دو فصل بهار و زمستان وجود دارد. فصل رویش آن اوایل بهار است اما بقایای آن همیشه دیده می‌شود به طوری که تا اواخر تابستان سبز است و بوته خشک آن تا زمانی که برف بیاید سرپا است. در خاک‌های نرم اثری از آن نیست و بیشتر در تنگه‌ها، مناطق سنگلاخی صعب‌العبور و برف‌گیر یافت می‌شود. گل چویل بسیار معطر است. آن را در اوایل تابستان برداشت می‌کنند و پس از خشک کردن به صورت پودر درمی‌آورند. از این پودر تنها و یا مخلوط با برگ گیاهان خاری و چاهوک برای خوشبو و خوش‌طعم کردن ماست، دوغ، کشک و روغن حیوانی استفاده می‌کنند. گاهی نیز مانند سماق آن بر روی کباب می‌ریزند. برخلاف گل، برگ و ساقه آن طعمی تند دارد و به هیچ وجه خوراکی نیست. تندی برگ آن به حدی است که دام نیز قادر به تعلیف تازه آن نیست.

گیاهان خوراکی و دارویی

اواندول^۲

از علفی‌های چند ساله است که زمان رویش آن از فروردین تا اوایل اردیبهشت است و در خرداد ماه دانه می‌دهد. به گفته ساکنان گاهی از نیمه اسفند می‌توان آن را در منطقه مشاهده کرد. در اواخر بهار به تدریج خشک می‌شود و دیگر بقایای آن هم دیده نمی‌شود. زمان برداشت آن اواخر فروردین و اوایل اردیبهشت است. خاک‌های محل رویش آن تیره‌رنگ و نرم است و در مکان‌های سنگلاخی دیده نمی‌شود. سال‌های پر باران هر جا که بلوط باشد اواندول هم دیده می‌شود اما در مکان‌هایی که بلوط نباشد حضور آن به ندرت است. این گیاه سالی یک‌بار گرز یا نروک می‌دهد^۳. گرز آن گاهی تا حدود ۸۰ سانتیمتر قد می‌کشد و با طعمی شیرین یا ملس برای ذائقه ساکنان خوش‌آیند است. این گیاه دارای مصارف خوراکی و دارویی است. برگ تازه آن همراه با غذا خورده می‌شود. چوپانان از برگ و ساقه تازه آن برای رفع عطش استفاده می‌کنند و پوست رویی نروک یا ساقه آن را خام می‌خورند. از برگ آن بیشتر دام تعلیف می‌کند و مصرف انسانی آن از ساقه و بیشتر از ساقه گل‌دهنده یا همان نروک گیاه است. گاهی نیز نروک آن را سرخ و همراه با نان به عنوان یک وعده غذایی مصرف می‌کنند. گرز یا نروک اواندول را در اوایل رویش می‌چینند که دم‌کرده آن برای افراد مبتلا به بیماری قند خون مناسب است. از دم‌کرده آنکه هم به انسان و هم دام داده می‌شود. برای درمان بند آمدن ادرار نیز استفاده می‌شود.

^۱ čavil

^۲ andulô

^۳ بومیان به ساقه گل‌دهنده گیاهان علفی نظیر جاشیر، چویل، بیلهر و ... نروک می‌گویند.

اوریشم کَرَو^۱

اوریشم کَرَو با اسم اوریشم سردسیری نیز شناخته می‌شود. گیاهی بوته‌ای است که سرشاخه‌های جوان آن در اوایل بهار لابه‌لای تخته‌سنگ‌ها می‌روید و در اواسط این فصل گل می‌دهد. اوریشم کررو را اغلب فقط کررو می‌خوانند و می‌گویند که این گیاه برای همه چیز خوب است. از برگ این گیاه استفاده‌های متعدد دارویی می‌شود. تحصیل‌کرده‌ها آن را ضد عفونی‌کننده می‌دانند و از دم‌کرده آن را برای مداوای زکام و سرماخوردگی استفاده می‌کنند. قدیمی‌ترها معتقدند برای آرامش اعصاب، ناراحتی معده، باد شکم، درد بدن و همچنین عفونت‌های زنانه مفید است. همچنین به عنوان طعم‌دهنده و معطرکننده دوغ و ماست و ادویه در خورش‌های مورد استفاده قرار می‌گیرد. عشایر گیاه مذکور را دم می‌کنند و مانند چای به صورت روزانه می‌خورند.

بَکَلَو^۲

علفی چندساله با گل سفید رنگ است. محل رویشگاه آن در اطراف جوی‌های آب و چشمه‌ها است و گاهی برگ‌های آن در روی آب شناور می‌ماند. برگ آن به صورت یک سبزی خوراکی همراه با غذا می‌خورند. طبع آن سرد است و از دم‌کرده برگ این گیاه برای درمان زردی (یرقان) استفاده می‌شود. اگر کسی دچار سنگ کلیه شده باشد خوردن دم‌کرده آن را برای بیمار مفید می‌دانند. جوشانده بکلو را به مادر نوزادی می‌دهند که زردی گرفته باشد و معتقدند که شیر مادر زردی بچه را می‌گیرد. درمان حساسیت‌های پوستی ناشی از سودا و صاف کردن خون و متعادل ساختن طبع کسانی با طبیعت سرد از سایر ویژگی‌های آن است.

بَلی^۳

درختی با مصارف متعدد است که در اواسط بهار شکوفه‌هایی خوشه‌مانند می‌دهد و در ابتدای پاییز به ثمر می‌نشیند. از میوه بلی نانی به نام کَلگ پخته می‌شود. پس از چیدن میوه بلوط در اوایل پاییز، پوسته اول آن با اسم رُنگ را درمی‌آورند سپس پوسته دوم به نام جَفَت جدا می‌شود. جَفَت قابض است و از آن برای سفت کردن معده و درمان دل‌پیچه و اسهال استفاده می‌شود. برای این کار جَفَت را پودر و درون کپسول‌هایی می‌ریزند که از عطاری‌های شهر تهیه کرده‌اند. پس از جدا کردن جفت، میوه سفید رنگ بلوط معلوم می‌شود. این میوه را با آسیاب دستی و یا مکینه (نوعی آسیاب برقی) آرد می‌کنند. آرد را با مقداری آب خمیر می‌کنند و در ظرفی به مدت سه روز می‌خوابانند، معمولاً روی این ظرف را لحاف و یا پتو می‌کشند و در گوشه‌ای از چادر می‌گذارند. پس از سه روز، خمیر را در زیر آب روان می‌گذارند تا شیرین شود. آرد شیرین‌شده را به صورت گلوله‌هایی درآورده و خشک می‌کنند

¹ rišom-e kerrou

² bakalu

³ bali

و هر زمان که خواستند آن را با مقداری آب مخلوط و سپس خمیر می‌کنند تا با آن نان بپزند. نان کَلگ مقوی و در عین حال کمی دیرهضم است بنابراین معمولاً آن را صبح هنگام مصرف می‌کنند. از تنه اصلی و شاخه‌های بلی تیره‌های چوبی می‌سازند و در برپایی سیاه‌چادر و ساخت کپر از آن بهره می‌برند.

بَن^۱

میوه این درخت در اواسط بهار و قبل از رسیدن مانند خوشه‌های انگور اما بسیار ریزتر و ترش‌مزه است و چوپانان از آن برای رفع عطش استفاده می‌کنند. در حالت سبز عشاير آن را برداشت و با آن نوعی ترشی درست می‌کنند. پس از آنکه میوه این گیاه در اواخر تابستان از حالت سبز خارج و سفت شد، ظاهری شبیه هسته گیلان پیدا می‌کند با این تفاوت که درون پوسته سخت بیرونی مغزی به رنگ سبز و خوش‌طعم به وجود می‌آید که از آن به عنوان تنقلات استفاده می‌شود. میوه سفت‌شده آن را داخل هاون می‌کوبند و به برنج اضافه می‌کنند که به این غذا شله بَنی می‌گویند. میوه این گیاه دارای چربی زیاد است و برای تقویت بینایی چشم مصرف می‌شود. بریزه آن همان سقز است که از آن برای درمان دردهای مزمن استخوانی مانند کمردرد، گردن‌درد و درد مفاصل بهره گرفته می‌شود، بریزه را در میان پارچه‌ای می‌گذارند. پارچه را گره می‌زنند و برای مدتی در آفتاب ظهر نگه می‌دارند تا بریزه درون آن حالت نرم و انعطاف‌پذیری به خود بگیرد. در همان پارچه کمی آن را ورز می‌دهند و سپس از میان پارچه آن را خارج می‌کنند و در موضع درد می‌چسبانند و به مدت دو یا سه ساعت آن را نگه می‌دارند تا درد بهبود یابد.

پیدن اوی^۲

رویش آن از اوایل فروردین کنار جوی‌ها و چشمه‌زارها آغاز می‌شود و در اواخر بهار به گل می‌نشیند که یک گیاه علفی چند ساله است. بوی تیزتری نسبت به پیدن گُهی دارد. برگ آن برای خوراک و دارو استفاده می‌شود و آن را با غذا به خصوص پنیر و به عنوان سبزی می‌خورند و همچنین آن را خشک و به عنوان طعم‌دهنده به برخی از غذاها اضافه می‌کنند. به عنوان مثال در طبخ غذایی به نام شله کشکی از آن استفاده می‌شود. طبخ این غذا همانند شیر برنج یا شله شیری است با این تفاوت که به جای شیر از کشک استفاده می‌شود. ابتدا برنج را در آب می‌ریزند و بر روی آتش می‌گذارند، پس از آنکه آب به جوش آمد، کشکی را که قبلاً در هاون کوبیده و با آب مخلوط شده است به آن اضافه می‌کنند در ادامه پیدن اوی خشک‌شده را با دست پودر می‌کنند و در آن می‌ریزند و آن قدر بر روی آتش می‌ماند تا به اندازه کافی غلیظ شود. از دم کرده برگ گیاه مذکور نیز برای درمان دل‌درد بهره گرفته می‌شود.

¹ ban

² piden-e ôvi

توله^۱

علفی یک‌ساله است که در خاک مرطوب بیشتر می‌روید، به عنوان مثال در کنار مزرعه‌ها. هم در گرمسیر و هم در سردسیر دیده می‌شود با این تفاوت که در گرمسیر بلند می‌شود اما در سردسیر به حالت پهن‌شده بر روی زمین دیده می‌شود. استفاده خوراکی و دارویی دارد. از پخته برگ آن در تهیه نوعی ریچال^۲ به نام ماستوله استفاده می‌کنند. به علاوه برگ توله را مانند لیزک می‌پزند و با نان می‌خورند و یا به عنوان یک افزودنی خوش‌طعم و مقوی، به برنج اضافه می‌کنند. طبع این گیاه گرم است و اعتقاد بر این است که باعث تقویت بدن می‌شود. اگرچه اکثراً آن را به عنوان یک گیاه خوراکی می‌شناسند اما برخی اعتقاد دارند که دم‌کرده آن برای درمان عفونت مؤثر است؛ برگ آن را به صورت تنها و گاهی نیز با گیاهی به نام بله گوشک مخلوط می‌کنند، می‌کوبند و از آن برای درمان عفونت استفاده می‌کنند.

دروبی^۳

رنگ آن سبز پررنگ و دارای طعم و بویی تند است. علفی چند ساله است که در ارتفاعات دنا و در کمر کوه در مکان‌های صخره‌ای یافت می‌شود و به همین واسطه از دسترس دام مصون است. به واسطه ارتفاع دوست بودن بیشتر در اوایل تابستان دیده می‌شود که برف‌ها آب شده و دما جهت رویش مناسب است. زمان برداشت برگ و ساقه آن تیرماه است. به گفته بومیان طبیعتی گرم دارد و برای درمان باد شکم و درد مفاصل کاربرد دارد؛ برگ آن را به صورت دم‌کرده مورد مصرف قرار می‌دهند. از خشک‌شده برگ آن برای طعم دادن و خوشبو کردن دوغ و ماست و به عنوان ادویه در خورش‌ها هم استفاده می‌شود. البته برخلاف سایر گیاهان، رویشگاه آن را به واسطه صعب‌العبور بودن فقط عده معدودی می‌دانستند و به ندرت حاضر به نشان دادن رویشگاه آن به سایرین بودند. چوپانان و افراد مطلع قادر به تشخیص رویشگاه آن از طریق استشمام بوی گیاه بودند. با خشک شدن آن در اواخر تابستان هیچ اثری از آن مشاهده نمی‌شود. گیاهی است بسیار کمیاب و به قول چوپانان خبره منطقه نسل آن رو به نابودی است.

زول^۴

گیاهی بوته‌ای و چندساله است که در دامنه کوه و در مناطقی با خاک‌های عمیق و سنگریزه‌ای رشد می‌کند. رنگ آن سبز مایل به نقره‌ای است. فصل رویش آن از اوایل بهار

^۱ tula

^۲ عشایر دیلگان به مخلوط ماست یا دوغ و برخی گیاهان خوراکی نظیر توله، بیلهر و یا کاسنی ریچال می‌گفتند.

^۳ نمونه هرباریومی از این گیاه جهت شناسایی یافت نشد. zarue

^۴ zul

شروع و تا شهریور در منطقه دیده می‌شود. زمان استفاده آن همان اوایل بهار است که ساقه و نوک آن جوان است و هنوز چوبی نشده است. در طبیعت از طریق شکل ظاهری آن کاملاً شناخته می‌شود چرا که خارهای درشت و محکمی دارد. خار زول به لحاظ تیزی و استحکام معروف است. عشایر هنگام مقایسه اراده و استقامتشان با شخص دیگری می‌گفتند: ”گر تو خار کنگری، مُو خار زولم“. این گیاه طبیعی گرم دارد و ساقه جوان و خوش‌طعم آن را برای تقویت بدن می‌خورند. چوپانان می‌گفتند هنگامی که خیلی گرسنه باشند و غذا همراهشان نباشد، ساقه جوان و گل‌دهنده آن را با چاقو جدا می‌کنند و پوست رویی آن را می‌خورند. یکی از خواص درمانی زول رفع یبوست است؛ ریشه این گیاه را همراه با آب حرارت می‌دهند تا به جوش آید، در این حالت کف سفید رنگی حاصل می‌شد که آن را برای درمان یبوست به اندازه یک نصفه لیوان به بیمار می‌دهند. در مصرف آن باید دقت کرد چرا که مصرف بیش از حد آن موجب اسهال و استفراغ می‌شود.

کلوس^۱

در زمره گیاهانی است که در گرمسیر می‌توان آن را دید. علفی چند ساله است که از اواسط فروردین تا اوایل اردیبهشت در ارتفاعات و مکان‌های سنگلاخ و همراه درختان بلی می‌روید. ظاهری کشیده و زیبا دارد و آدم‌های باریک و خوش‌اندام را به کلوس تشبیه می‌کنند. چادرنشینان کلوس را به عنوان یک گیاه خوراکی و دارویی می‌شناسند. جهت مصرف خوراکی، مانند گیاه لپه برگ تازه و آن قسمت از ساقه که جوان‌تر است را در اوایل بهار با دست می‌چینند، خرد و برای خوشبو و خوش‌طعم کردن به ماست و دوغ و همچنین دُوا (آش دوغ) اضافه می‌کنند. این گیاه به صورت تازه و کمتر به صورت خشک مورد استفاده قرار می‌گیرد. از دم‌کرده برگ تازه این گیاه برای درمان عفونت مثانه و بند آمدن ادرار انسان و دام استفاده می‌شود.

لیزک^۲

به آن بُنسر نیز گفته می‌شد. این گیاه در اواسط فروردین در مکان‌هایی با خاک‌های شنی و سنگریزه‌ای رشد می‌کند. گیاهی علفی و پیاز دار است. دارای طبع بسیار گرمی است به قول یکی از چوپانان منطقه: ”مِنْ بَرَقَمِ ایخوریش سَرِدِتِ نَبُو“ (حتی اگر در میان برف هم آن را بخوری تو را گرم می‌کند). به آن بنسر می‌گویند زیرا که قسمت پایین برگ آن به رنگ سرخ کم‌رنگ است. بیشتر از برگ آن استفاده می‌کنند و کمتر پیاز آن را در می‌آورند. در اوایل بهار برگ آن را می‌چینند و همان زمان خشک می‌کنند. برگ لیزک را به عنوان یک سبزی طعم‌دهنده و خوشبو به برنج، آش و خورشدهای مختلف می‌افزایند. بومیان معتقدند که

^۱ kalôs

^۲ lizak

دم‌کرده برگ این گیاه علاج کلیه درد است و را با کاکل ذرت، خارخسک و گاهی اوقات با سنگدان کبک مخلوط می‌کنند و دم‌کرده آن به بیماران مبتلا به درد کلیه می‌دهند. تحصیل‌کرده‌ها آن را برای درمان پروستات و سنگ کلیه مفید می‌دانند.

گیاهان دارویی

ارژن^۱

اغلب در اطراف آبراهه‌ها دیده می‌شود. اواسط بهار برگ‌های آن می‌ریزد، اوایل اردیبهشت شکوفه می‌زدهد و اواخر بهار میوه آن می‌رسد. پوست دوم میوه آن را با گیاه علف پشموکی مخلوط و از دم‌کرده آن جهت درمان سرماخوردگی استفاده می‌کنند. همچنین از دم‌کرده این پوست ثانوی برای درمان امراضی همچون بند آمدن ادرار، سنگ کلیه و مثانه بهره گرفته می‌شود. جوان‌ترها می‌گفتند دم‌کرده آن برای درمان سرطان پروستات نیز خوب است. از تنه درخت ارژن یک نوع بریزه^۲ به نام زدی خارج می‌شود که گاهی حجم آن زیاد و به اندازه یک میوه نارنج می‌شود. زدی برای تفنن و همچنین خوشبو کردن دهان جویده می‌شود. در گذشته از پودر خشک‌شده آن برای شستشوی بدن بهره استفاده می‌شد. بومیان برای درمان دندان‌درد یا آبسه دندان مقداری زهی را بر رو دندان می‌گذارند تا درد را بکشد. از زهی برای درمان برخی از بیماری‌های پوستی نظیر بروز دمل و زخم‌های عفونی در انسان و حیوان نیز استفاده می‌شود؛ زهی، برگ مرورشک و کتیره را با هم مخلوط می‌کنند و بر روی زخم یا محل عفونت می‌گذارند. از چوب تنه این درخت در ساختن عصا، چوب‌دست، دسته بیل و کلنگ نیز استفاده می‌شود.

اولیله^۳

علفی چند ساله با برگ‌های چسبیده است. رنگ برگ‌های آن شبیه به رنگ پوست لیمو است، در مناطقی با خاک‌های شنی و نرم می‌روید و تقریباً هر جا که اوریشم کررو یافت شود، اولیله هم آنجا دیده می‌شود؛ مانند اوریشم نیز در اوایل بهار می‌روید و اواخر خرداد گل می‌دهد. چنانچه دام به سراغ آن نرود تا اوایل پاییز می‌توان آن را در منطقه یافت. هم از برگ و هم از ساقه آن استفاده می‌شود و ساکنان آن را کمتر به عنوان یک گیاه خوراکی و بیشتر به عنوان گیاهی دارویی می‌شناسند. از این گیاه برای درمان درد و آبسه دندان استفاده می‌شود؛ با دم‌کرده برگ آن دهان را شستشو می‌دهند. با دم‌کرده برگ آن و آرد گندم حلوایی نیز درست می‌کنند که معتقدند بدن را تقویت می‌کند. این حلوا را برای زنانی

^۱ arzan

^۲ بومیان منطقه به صمغی که از برخی گیاهان نظیر بن، کلکنگ یا ارژن خارج می‌شود بریزه می‌گویند.

^۳ lilaô

که تازه وضع حمل کرده‌اند و همچنین در روز عید فطر درست می‌کنند تا بدن انرژی تحلیل‌رفته را دوباره بازیابد.

برنجاس^۱

یک گیاه علفی چند ساله است که به گفته عشایر منطقه، نباید در ارتفاعات به دنبال آن بود چرا که در اواخر اسفند معمولاً در دشت، دامنه کوه و در اطراف وُرد می‌روید و در اواسط بهار به گل می‌نشیند. از آنجا که دام نیز گل آن را می‌خورد باید تا قبل از زمان چرای دام گل زرد رنگ آن را برداشت. از دم‌کرده تازه و خشک گل برنجاس برای درمان دردهای بسیاری استفاده می‌شود: برای التیام زنان باردار، دل‌درد، انواع و اقسام بیماری‌های دستگاه گوارش همچنین برای مداوای امراض قند و چربی خون. جهت مصرف، گل برنجاس را خشک می‌کنند و پس از پودر کردن آن را با قند در هاون می‌کوبند. بیماران مبتلا به دردهای مذکور اندازه یک قاشق چای‌خوری از این پودر را در دهان می‌ریزند و بلافاصله بعد از آن آب می‌نوشند. مصرف بیش از حد برنجاس خطرناک است چون باعث سردرد می‌شود و به اصطلاح آدم را بَنگی می‌کند. همچنین از جوشانده غلیظ مخلوط برنجاس، اُوریشم موری، درِمِه و گل نگیں ضمادی به نام دَوُیِ ریلی یا دَوُیِ محلی برای درمان تاول و دمل پوست ناشی از سودای بدن استفاده می‌شود.

پیدن کُهی^۲

هر جا که هلیپه و اوریشم کُهی وجود دارد پیدن کُهی هم هست. علفی چند ساله است که از اواسط بهار در ارتفاعات و زمین‌های سنگی و سنگلاخی می‌روید. بیشتر خواص پیدن اویی به پیدن کُهی هم نسبت داده می‌شود. علاوه بر آن برای درمان آب به آب شدن که نشانه‌های آن تهوع و اسهال است، مصرف تازه و خشک‌کرده برگ پیدن کُهی را مناسب‌تر می‌دانند. این گیاه در اواخر تیر و اوایل مرداد به گل می‌نشیند.

جاشیر^۳

علفی چندساله است که در اوایل بهار می‌روید. نام گیاه به دلیل تاثیر آن بر زیاد، خوش‌طعم و معطر کردن شیر دام است. رویشگاه آن در ارتفاعات و داخل سنگریزه‌ها است و اگر در ارتفاع پائین دیده شود احتمالاً خود مردم بذر آن را کشت کرده‌اند. جاشیر با گون و کتو (نوعی جو وحشی) همراه است. در اواسط بهار کل ساقه و برگ آن را برداشت و در بالای کپرها خشک می‌کنند که عایق مناسبی در برابر نور آفتاب است. کاه جاشیر برای دام بسیار

¹ berenjās

² piden-e kōhi

³ jašīr

بالرزش و مقوی است. بسته به پربابی و کم‌آبی زمان رویش و برداشت آن متفاوت است، در سال‌هایی با بارندگی خوب هم پوشش بیشتری تولید می‌کند و هم زودتر برداشت می‌شود. جاشیر دارای طعم تند است و باور بر این است که همین طعم تند باعث از بین رفتن هر نوع مرض و انگل و کرم در بدن دام می‌شود و به دام‌های مبتلا به عفونت جاشیر می‌دهند.

گلِ نِگین^۱

علفی پیاز دار است که در ارتفاعات و اطراف درختان شن و ارزن در اوایل بهار ظاهر می‌شود و تا نیمه فروردین به گل می‌نشیند. گل و برگ این گیاه عمر کوتاهی دارد. بومیان معتقدند که پیاز آن درمان بیشتر دردهای مفاصل، کوفتگی بدن و حتی درمان فلج شدن قسمتی از بدن است. این شکل دردهای بدن با نام باد بدن یاد می‌شود و کسی که دچار عارضه‌ای نظیر دردهای مذکور باشد بدنش دچار بادگرفتگی شده است. عده‌ای خشک‌شده پیاز آن را برای درمان چربی خون بسیار مؤثر و مفید می‌دانستند. جهت مصرف برای انسان، پیاز آن را اواسط اردیبهشت ماه از زیر خاک درمی‌آورند و پس از کوبیدن، آن را با مقداری خاک قند مخلوط می‌کنند و به فرد بیمار می‌دهند.

هَلِپَه^۲

این گیاه علفی چند ساله از نیمه فروردین در ارتفاعات یافت می‌شود و در اوایل خرداد به گل می‌نشیند. ساکنان منطقه معتقدند که برگ این گیاه اثرات متعدد دارویی دارد. باور عمومی بر این است که این گیاه به شدت قند و چربی خون را پایین می‌آورد. برای درمان کسی دچار زخمی عفونی شده باشد و یا درمان زخم‌هایی که معمولاً روی پا به دلیل ابتلا به بیماری قند به وجود می‌آید، هلپه را در مقداری زغال افروخته می‌اندازند تا دود کند و زخم را در مقابل آن می‌گیرند و این کار را به مدت دو تا سه بار در روز انجام می‌دهند تا زمانی که زخم بهبود یابد. از خواص دیگر این گیاه رفع بوی نامطبوع بدن است چنانکه به کسانی که بدنشان بسیار عرق می‌کند و بوی بدنشان اطرافیان را آزار می‌دهد، توصیه می‌شود که با آب هلپه استحمام نمایند و یا مقداری از برگ آن را در کفش خود بگذارند، تأثیر آن را در از بین بردن بوی نامطبوع بدن بسیار معجزه‌آسا می‌دانند. هلپه کاربردی شبیه نفتالین نیز دارد یعنی برای جلوگیری از بیدزدگی پشم و نخ و سیاه‌چادرها مقداری برگ هلپه در لابه‌لای آنها می‌گذارند. همچنین هلپه را با کمی آب حرارت می‌دهند و سپس آب اولیه را دور می‌ریزند و با چوبی تمیز برگ‌های اولیه آن قدر فشار می‌دهند تا آب آن گرفته شود. به گفته چادرنشینان این آب مثل زهر تلخ است اما دوی هر درد و مرضی است به همین خاطر هر از چند گاهی و معمولاً هنگامی که تازه به مناطق سردسیر وارد می‌شوند حدود نیم لیوان

¹ gol negin

² halpa

آب هلیپه را به یک‌باره سر می‌کشند و بعد از آن مدتی پیاده‌روی می‌کنند زیرا عقیده داشتند به این ترتیب تا مدت‌ها مریض نمی‌شوند. زنبوردارانی که در کنار چادر عشایر کندوهای زنبور خود را قرار داده بودند، می‌گفتند که هلیپه و برنجاس بهترین عسل را می‌دهد. گاهی اوقات شیر دام به خصوص بز بوی خاصی به خود می‌گیرد که در این حالت اصطلاحاً گفته می‌شود: ”شیر بو اشنفتِه“. برای رفع این بوی نامطلوب تشت یا دیگی را که شیر در آن ریخته می‌شود، با آب هلیپه شستشو می‌دهند. به باور عشایر این کار باعث از بین رفتن بوی نامطلوب و افزایش برکت شیر می‌شود.

نتیجه‌گیری

گیاهان بررسی‌شده در این مطالعه متعلق به فرم‌های رویشی علفی یک‌ساله و چند ساله، بوته‌ای و درخت بودند که از این میان فرم رویشی علفی چند ساله دارای بیشترین درصد استفاده جهت مصارف متعدد را داشت. گیاهان بررسی‌شده به ۹ خانواده گیاهی تعلق داشتند که در این بین خانواده‌های چتریان^۱ و نعنائیان^۲ بیشترین سهم را دارا بودند. نتایج به‌دست‌آمده از این بررسی گویای آن است که عشایر مرتع دیلگان از تمامی گیاهان جمع‌آوری‌شده استفاده‌های متعدد خوراکی، دارویی و بهداشتی داشتند به طوری که از ۲۰ گونه بررسی‌شده در این تحقیق، از ۲ گونه استفاده خوراکی و تقویتی داشتند، به ۹ گونه هم استفاده خوراکی و هم استفاده دارویی نسبت می‌دادند و برای سایر گونه‌ها مصارف دارویی قائل بودند. مصاحبه‌شوندگان از بین مصارف دارویی گیاهان بیشترین مورد را به بیماری‌های گوارشی و سپس قند و چربی خون و درمان عفونت اختصاص می‌دادند. همچنین بیشترین بخش قابل استفاده جهت مصرف خوراکی و دارویی در گیاهان با فرم رویشی درختی به ترتیب میوه و صمغ و در گیاهان با فرم رویشی علفی و بوته‌ای به ترتیب، برگ، ساقه، ساقه گل‌دهنده، گل و پیاز گیاهان بود. هرچند که شیوه‌های مصرف متنوعی برای گیاهان خوراکی و دارویی مشاهده شد اما مصرف پخته‌شده برگ و ساقه در مورد گیاهان خوراکی و جوشانده و دم‌کرده برگ، در مورد گیاهان دارویی متداول‌ترین شکل مصرف بود.

چنانکه از نتایج این تحقیق برمی‌آید، یکی از مهم‌ترین اطلاعات کاربردی دانش بومی عشایر منطقه، شناخت و معرفی زیستگاه‌های بالفعل و پیش‌بینی زیستگاه بالقوه گیاهان است به طوری که عشایر دیلگان به خوبی با توجه به عوامل محیطی موجود نظیر خصوصیات اقلیمی، خاکی، توپوگرافی، میزان رطوبت و گیاهان همراه یک منطقه قادر به پیش‌بینی وجود یا عدم وجود گیاهان هستند. به عنوان مثال می‌گویند

”برای دیدن توله باید در کنار مزرعه‌ها و برای یافتن بکلو باید اطراف چشمه‌ها به دنبالشان بگردی زیرا اینها آب زیادی می‌خواهند، چویل در

^۱ apiaceae

^۲ lamiaceae

مناطق برفگیر می‌روید، اواندول همراه بلوط پیدا می‌شود، برنجاس را نمی‌توانی در ارتفاعات پیدا کنی و یا زول در کمر کوه و در مناطقی که خاک عمیق و سنگریزه‌ای دارد سبز می‌شود“

استفاده از این بعد دانش گیاه‌شناسی جوامع محلی، زمینه تحقیقات پیشرو و آغازگر را جهت دسترسی آسان‌تر و ارزان‌تر به پیش‌بینی زیستگاه گونه‌های مطلوب و حفاظت و تقویت این مکان‌ها فراهم می‌آورد چرا که یکی از اولویت‌های مهم در استفاده بهینه از منابع موجود در زیست‌بوم‌های مرتعی و اصلاح آنها آگاهی از حضور واقعی گونه‌های گیاهی و پیش‌بینی حضور آنها در مقیاس‌های متفاوت است. پیش‌بینی زیستگاه و احتمال حضور و توزیع گونه‌های گیاهی کاربرد وسیعی در زمینه‌های مختلف دارد و به طور عمده برای تعداد بسیاری از تحقیقات کاربردی در بوم‌شناسی به ویژه جهت تشریح نیازهای جوامع گیاهی و عوامل فیزیکی و شیمیایی محیطی مؤثر بر حضور آنها مناسب است (الیس و لزویک^۱، ۲۰۰۹: ۶۷۷). استفاده از دانش بومی در پیش‌بینی زیستگاه گونه‌های مطلوب، به مدیران مرتع کمک می‌کند تا با صرف زمان و هزینه کمتر، زیستگاه‌های بالفعل و بالقوه را جهت حفاظت از گونه‌های کلیدی و کنترل گونه‌های مهاجم (واکلاویک و مینتمیر^۲، ۲۰۰۹: ۳۲۴۸) شناسایی کنند و رویشگاه مناسب را به منظور ارائه پیشنهادها اصلاحی در برنامه‌های بیولوژیک توسعه و احیای مراتع تشخیص دهند.

نتایج این بررسی گویای آن است که دانش بومی عشایر منطقه مورد مطالعه پیرامون گیاهان اطرافشان بسیار غنی است و جنبه‌های متفاوتی از گیاه‌شناسی و قوم‌شناسی را در برمی‌گیرد چنانکه آگاهی آنها از گیاهان نه فقط شامل خواص خوراکی و دارویی گیاهان بلکه شامل اطلاعاتی بسیار مفید از زیستگاه گیاهان به لحاظ ادا فیزیکی، نقشه‌برداری و اقلیمی است. همچنین طوایف ساکن به خوبی از برخی خصوصیات فنولوژی و بوم‌شناسی گیاهان پیرامون خود آگاه بودند. سایر بررسی‌ها در زمینه گیاه مردم‌نگاری در استان کهگیلویه و بویراحمد نیز مؤید این مطلب است که دانش بومیان این ناحیه در مورد بوم‌شناختی گیاهان بسیار وسیع است، بطوریکه در مورد شناسایی گیاه، زیستگاه گیاه، فرم ظاهری و نظایر آن آگاهی کافی دارند (غفاری، ۱۳۹۱: ۹۷-۵۹)، چنانکه به‌خوبی محیط اطراف خود و اجزا و عناصر آن را می‌شناسند و برای هر گیاه و هر قسمت از عرصه، نام، تعریف و واژه خاصی دارند، از دیدگاه بومیان، یک شی یا یک تجربه را نمی‌توان جدا از محیط اطرافش درک کرد. شناخت او از اشیا و پدیده‌ها کلی است، لذا تمرکز دانش بومی گیاه‌شناسی نیز تنها بر گیاه نیست بلکه مشتمل بر روابط بین گیاه و سایر عوامل محیطی مرتبط با آن نیز هست و شاید به همین دلیل است که اغلب می‌گویند ”گیاه را باید در صحرا ببینیم تا بشناسیم“ (دیف رخس، ۱۳۹۱: ۱۶۸). همچنین بررسی‌های مشابه در

¹ Elith and Leathwick

² Vaclavik and Meentemeyer

نواحی عشایر نشین و روستایی در سایر نقاط کشور نیز گواه آن است که در این نواحی، دانش بومی پیرامون گیاهان بسیار گسترده است و جنبه‌های متفاوتی شناسایی و کاربرد گیاهان را دربر می‌گیرد به طوری که با استفاده از دانش بومی می‌توان به آسانی و در کوتاه‌ترین زمان به اطلاعات ارزشمندی پیرامون خواص دارویی، اندام دارویی، زمان رویش، تعیین بهترین زمان جمع‌آوری و مناطقی که پتانسیل رویشی این گیاهان را دارند، دست یافت (میردیلیمی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۴۷)، (مقصودی و پارسا پژوه، ۱۳۹۰: ۱۵۷)، (ذوالفقاری و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۱)، (سجادی و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵).

یافته‌های این تحقیق گواه دیگری است بر این مدعا که ایران منطقه‌ای غنی از لحاظ فرهنگی و تنوع قومی است که دارای تنوع بی‌نظیری در شرایط اقلیمی و زیست‌بوم‌های طبیعی برای پرورش گیاهان خودروی خوراکی و دارویی است. شرایط جغرافیایی متنوع و رویشگاه‌های گوناگون از سویی و فرهنگ کهن‌سال ایرانی از سوی دیگر گنجینه‌ای از آفرینندگی‌های مردمی را در زمینه گیاه‌شناسی سنتی و خواص هر یک از گونه‌های گیاهی فراهم نموده است (فرهادی، ۱۳۸۵: ۴۴). قابل قبول نیست که در کشوری همچون ایران، دانش بومی گونه‌های گیاهی و ارزشمند که سال‌ها در خوراک، طب سنتی و صنعت استفاده می‌شده است، مورد ارزیابی قرار نگیرد و ثبت نشود. اگر ممیزی اراضی و معدنیابی و شناسایی کانی‌ها و ارزیابی و بهره‌گیری از منابع معدنی، جزئی از فعالیت‌های روزمره دولت‌ها و بخش خصوصی در کشور است، پس باید به همین شکل دانش بومی گونه‌های گیاهی ارزشمند و گاه‌ها منحصر به فرد آن نیز مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد، در غیر این صورت بخش بسیار مهمی از میراث معنوی و طبیعی کشور که نسل‌های آینده به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به آنها وابسته‌اند نادیده گرفته شده و به دست فراموشی سپرده خواهد شد.

منابع

- آذرنبوند، حسین و زارع چاهوکی، محمد علی (۱۳۸۹). *بوم‌شناسی مرتع*: تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- امیدی، اسداله؛ خاتم ساز، محبوبه؛ ذوالفقاری، بهزاد (۱۳۹۱). «اتنوبوتانی؛ رویدادی مبتنی بر بازنویسی علمی روایت‌های مردمی». *مجله طب سنتی اسلام و ایران*، شماره ۱، صص: ۵۱-۶۰.
- بارانی، حسین؛ بهمنش، بهاره؛ شهرکی، محمدرضا (۱۳۹۰). «دانش بومی گیاه‌شناسی گیاهان دارویی منطقه چهارباغ از مراتع استان گلستان»، *فصل‌نامه دانش بومی*، شماره ۲، صص: ۸۶-۶۱.
- حاجی علی محمدی، هما؛ تقوی شیرازی، مریم؛ قربانی، عبدالباسط (۱۳۸۵)، «اطلس مردم گیاه درمانی ایران»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴ و ۳۵، صص: ۱۷۵-۱۹۸.
- دیف رخش، سیده معصومه (۱۳۹۱). *بررسی دانش بومی مهم‌ترین گونه‌های غیرعلوفه‌ای منطقه دلی کما، استان کهگیلویه و بویراحمد*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مرتعداری، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان.
- ذوالفقاری، بهزاد؛ صادقی، مسعود؛ تیری، ایمان؛ یوسفعلی تبار، مقداد (۱۳۹۱). «جمع‌آوری، شناسایی و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهر بابل»، *طب سنتی اسلام و ایران*، سال ۳، شماره ۱، صص: ۱۲۳-۱۱۳.
- سجادی، سید ابراهیم، بتولی، حسین و قنبری، علی (۱۳۹۰). «جمع‌آوری و بررسی مصارف سنتی منتخبی از گیاهان شهرستان کاشان»، *طب سنتی اسلام و ایران*، سال ۲، شماره ۱، صص: ۳۶-۲۹.
- غفاری، یعقوب (۱۳۵۷). *مقدمه‌ای درباره پوشش گیاهی کهگیلویه و بویراحمد*، یاسوج: انتشارات بی‌تا.
- غفاری، یعقوب (۱۳۹۱). *طب سنتی و تاریخچه طب جدید در استان کهگیلویه و بویراحمد*، اصفهان: انتشارات نقش مانا.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۴). «گیاه مردم‌نگاری با چکیده و نمونه‌هایی از گیاه مردم‌نگاری گیاهان خودروی کمره»، *فصل‌نامه علوم اجتماعی*، شماره ۳۴ و ۳۵، صص: ۹۳-۴۱.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۸۹). «مردم‌نگاری دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی: "نان شب" مردم‌نگاران ایران»، *فصل‌نامه دانش بومی*، شماره ۱، صص: ۳۷-۱.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۵). *پاره‌های انسان‌شناسی*، تهران: نشر نی.
- مجموعه مطالعات امکان‌سنجی توسعه فعالیت‌ها، تولیدات و ایجاد فرصت‌های شغلی کانون توسعه عشایر دیلگان یاسوج، فصل هفتم و هشتم (۱۳۹۰). سازمان امور عشایر کشور، اداره کل امور عشایر استان کهگیلویه و بویراحمد.
- مقدم، محمدرضا (۱۳۷۷). *مرتع و مرتعداری*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- میر دیلمی، سیده زهره؛ حشمتی، غلامعلی؛ بارانی، حسین (۱۳۸۹). «مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک (مطالعه موردی مراتع کچیک در شمال شرق استان گلستان)»، *فصل‌نامه دانش بومی*، شماره ۱، صص: ۱۵۰-۱۲۵.
- مقصودی، منیژه و پارسا پژوه، سپیده (۱۳۹۰). «گیاه قوم‌شناسی منطقه پس قلعه در شمال شهر تهران»، *پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، سال ۱، شماره ۲، صص: ۱۶۱-۱۳۷.
- وجدانی، حمیدرضا (۱۳۸۱). «گیاهان دارویی و کاربرد آنها در دامپزشکی و دامپروری»، *مجله دامدار*، شماره ۱۴۵، صص: ۱۲-۱۰.
- Qureshi, Rizzwana Aleem & Ghufuran, Muhammad Asad (2007), *Indigenous Knowledge of Selected Medicinal Wild Plants of District Attock, Pakistan Journal of Botany*. 42(2): 839-851.
- Martin Gary J (1995), *Ethnobotany: A Methods Manual*. London: Royal Botanic Gardens, Chapman and Hall Press.
- Elith, Jane & Leathwick, John R (2009a), "Species Distribution Models: Ecological Explanation and Prediction Across Space and Time", In *Annual Review of Ecology, Evolution and Systematics*. 40: 77-697.

گیاه مردم‌نگاری گونه‌های خوراکی و دارویی مرتع دیلگان، استان کهگیلویه و بویراحمد ۱۳۹

Vaclavik, Tomas & Meentemeyer, Ross K (2009), "Invasive Species Distribution Modeling (ISDM): Are Absence Data and Dispersal Constraints Needed to Predict Actual Distributions?" In *Ecological Modelling*. 220: 3248–3258.

